

مدل سازی معادلات ساختاری ویژگی های شخصیتی و تعارضات زناشویی با نقش میانجی گری ناگویی هیجانی

آتوسا اسدزاده^۱

محمدباقر حبی^۲

مهدی زارع بهرام آبادی^۳

عبدالحسن فرهنگی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۳

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تعیین برازش مدل سازی معادلات ساختاری ویژگی های شخصیتی و تعارضات زناشویی با نقش میانجی گری ناگویی هیجانی بود. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش شناسی در زمره پژوهش های توصیفی همبستگی از نوع معادلات ساختاری قرار دارد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد متأهل مراجعه کننده به کلینیک های روان شناسی منطقه ۲ شهر تهران در بازه زمانی بهمن ماه سال ۱۳۹۷ تا تیرماه سال ۱۳۹۸ است که حداقل یک سال از زندگی زناشویی آنها گذشته بود. جهت نمونه گیری تعداد ۳۰۰ نفر از جامعه مذکور به صورت هدفمند و به روش نمونه گیری داوطلبانه انتخاب شدند. جهت جمع آوری داده ها از ابزار پرسشنامه تعارضات زناشویی (MCQ)، ویژگی های شخصیتی (NEO) و ناگویی هیجانی تورنتو (TAS_20) استفاده شد. داده های جمع آوری شده با استفاده از روش آماری مدل سازی معادلات ساختاری (SEM) با استفاده از نرم افزار AMOS_22 انجام شد. نتایج نشان داد که شاخص های برازش دارای مقادیر مطلوبی است و داده ها از برازش مطلوبی برخوردار است و نیز ویژگی های شخصیتی با نقش میانجی ناگویی هیجانی با تعارضات زناشویی ارتباط دارد. نتیجه آنکه ویژگی های شخصیتی می تواند تأثیر بسزایی در ناگویی هیجانی داشته باشد که این امر به نوبه خود می تواند موجبات تعارضات زناشویی را فراهم کند و با آموزش های مورد نیاز می توان تا حد ممکن تعارضات زناشویی را کاهش داد.

کلمات کلیدی: تعارضات زناشویی، ناگویی هیجانی، ویژگی های شخصیتی، معادلات ساختاری

۱. دانشجوی دکتری گروه روانشناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسؤول) mbhobi@ihu.ac.ir

۳. دانشیار پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، سازمان سمت، تهران، ایران

۴. استادیار گروه روانشناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران

مقدمه

هنگامی که افراد بر سر موضوعی خاص با یکدیگر اختلاف نظر داشته باشند، زمینه برای بروز تعارض ۱ در بین این افراد مهیا می‌شود (استمپ و متکالف، ۲۰۱۹). این قبیل تعارضات در روابط بین فردی، بخصوص روابط بین زوجین امری شایع است (گوئرین ۳ و همکاران، ۱۹۸۷؛ ترجمه بهاری، ۱۳۹۸)؛ که موجب نارضایتی زوجین از زندگی زناشویی می‌شود (فرای، گانونگ، جنسن و کولمن ۴، ۲۰۲۰؛ تلنکوئر ۵، ۲۰۱۸؛ استینسون ۶ و همکاران، ۲۰۱۷). تولد فرزندان، تفاوت در عقاید مذهبی، سیاسی و اجتماعی می‌تواند این نارضایتی را تشدید کند که در نهایت سلامت روان خانواده را دچار مشکل می‌کند (ویتسون و الشیخ ۷، ۲۰۰۳). اگر این تعارضات در بین زوجین ادامه پیدا کنند ممکن است موجب آزار رفتاری یا کلامی از سوی یکی از زوجین به دیگری شود و عملکرد خانواده را تحت تأثیر خود قرار دهد (قائم‌مقامی، ابوالقاسمی و نیکنام، ۲۰۱۷؛ کامینگر و دیویدز ۸، ۲۰۱۰). در صورتی که خانواده عملکرد مطلوبی نداشته باشد موقعیتی برای زوجین ایجاد می‌شود که در آن فقدان گفتگو و سرکوب اعتماد موجب حالتی دفاعی می‌شود (مارکمن، استانلی و بلومبرگ ۹، ۲۰۰۱) که تجربه این بحران عاطفی در هر یک از زوجین، موجب ایجاد تعارض می‌شود (واعظی، ۱۳۹۷). در واقع تعارض نوعی تعامل است که در آن هر یک از طرفین تمایلات، دیدگاه‌ها و عقاید متفاوت خود را بیان می‌کنند (کالین، پلیزنت، ویلتون و مارکمن ۱۰، ۲۰۰۶). ذکر این نکته ضروری است که همه تعارضات هم مخرب نیستند و وجود برخی تعارضات در ارتباط زوجین با یکدیگر طبیعی هستند (فیرکلوث ۱۱، ۲۰۱۲)؛ اما نوع برخورد با تعارض می‌تواند مشکلاتی را در ارتباط زوجین با یکدیگر به وجود آورد (مامی، صفری، منصوریان، قربانی و کیخاونی، ۱۳۹۵؛ جیمز پارکر ۱۲، ۲۰۱۹؛ پارک و بیون ۱۳، ۲۰۱۷). پژوهش‌های متعددی نشان دادند که

-
۱. Conflict
 - ۲ Stamps & Metcalf
 - ۳ Guerin
 - ۴ Frye, Ganong, Jensen & Coleman
 ۵. Talanquer
 - ۶ Stinson
 - ۷ Whitson & El-Sheikh
 - ۸ Cummings & Davies
 ۹. Markman, Stanley & Blumberg
 ۱۰. Kline, Pleasant, Whiltton & MarKman
 ۱۱. Faircloth
 - ۱۲ James Parker
 - ۱۳ Park & Byun

یکی از متغیرهای روان‌شناختی که با تعارضات زناشویی در ارتباطند ویژگی‌های شخصیتی است (عیسی نژاد، امانی، عزیزی و عظیمی فر، ۲۰۱۶؛ ایونیوک ۱ و همکاران، ۲۰۱۴؛ یی و پارک ۲، ۲۰۱۱). ویژگی‌های شخصیتی شامل صفات نسبتاً پایداری از رفتار، تفکر و هیجان‌های فرد است (آیزنک و آیزنک ۳، ۱۹۸۵) که افراد مختلف را از یکدیگر متمایز می‌کند (گراس و جان ۴، ۲۰۰۳) و موجب می‌شود که هر فرد به شیوه‌ای متفاوت به محرک‌های مختلف واکنش نشان دهد (فیست، فیست و رابرتس ۵، ۲۰۱۳؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۸). این صفات شامل مواردی چون روان‌نژندی ۶، برون‌گرایی ۷، گشودگی ۸، موافق بودن ۹ و باوجدان بودن ۱۰ است (شولتز و شولتز ۱۱، ۲۰۱۳؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۸).

رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با تعارضات زناشویی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. یکی از متغیرهایی که می‌تواند در این بین نقش مهمی را ایفا کند ناگویی هیجانی ۱۲ است (عطاری و یعقوبی راد، ۲۰۱۶؛ زیمرمان ۱۳ و همکاران، ۲۰۰۵). ناگویی هیجانی نوعی عدم توانایی شناخت اطلاعات هیجانی و تنظیم آنهاست که فرد مبتلا ممکن است در شناسایی احساسات افراد، برقراری رابطه یا توصیف احساسات چهار مشکل باشد (شیشیدو ۱۴، ۲۰۱۱). این افراد در بازشناسی، آشکارسازی، پردازش و تنظیم هیجان‌های خود مشکل دارند و نمی‌توانند هیجان‌های خود را به‌خوبی مدیریت کنند (کریتلر ۱۵، ۲۰۰۲). این افراد در دوران کودکی تجربه‌هایی از والدینی دارند که هیجان‌های خود را ابراز نمی‌کنند و به تبعیت از آن به هیجان‌های کودک نیز توجه کافی ندارند که می‌تواند تأثیر بسزایی در مراحل بعدی زندگی داشته باشد (هامفریس، وود و پارکر ۱۶، ۲۰۰۹). چنین افرادی نسبت به هیجان‌های خود آگاهی کافی را ندارند و یا

-
- ۱ Iveniuk
 - ۲ Yi & Park
 ۳. Eysenck & Eysenck
 ۴. Gross & John
 ۵. Feist, Feist & Roberts
 - ۶ neuroticism
 - ۷ extraversion
 - ۸ openness
 - ۹ agreeableness
 - ۱۰ conscientiousness
 ۱۱. Schultz & Schultz
 - ۱۲ Alexithymia
 - ۱۳ Zimmermann
 ۱۴. Shishido
 - ۱۵ Kreidler
 - ۱۶ Humphreys, Wood & Parker

همواره دچار ابهام‌های هیجانی هستند، بنابراین نمی‌توانند احساس‌های خود را به‌طور مناسبی بروز دهند (سوآرت، کورتکاس و آلمن ۱، ۲۰۰۹). ناگویی هیجانی موجب می‌شود افراد نتوانند درک درستی از هیجان‌های خود داشته باشند و نشانه‌های هیجانی معمول را به‌طور اشتباه تفسیر کنند و یا در بازشناسی و توصیف کلامی هیجان‌های خود دچار مشکل باشند (کیم، چو، بری و تتی ۲، ۲۰۱۷).

خود افشایی هیجانی در مقابل ناگویی هیجانی، از ویژگی‌های کارکرد روانی و شخصیتی افراد سالم است (وارنینگ، هولدن و سلی ۳، ۱۹۹۸) که نشان‌دهنده قاطعیت در روابط و همین‌طور بیان صریح اینکه من چه کسی هستم، در چه موقعیتی قرار دارم و می‌خواهم چگونه با من رفتار شود، است (واعظی، ۱۳۹۷). به‌عبارتی دیگر، خود افشایی شامل آشکار کردن افکار، تجارب قبلی و هیجان‌های درونی برای شخصی دیگر است و بخش مهمی از روابط بین فردی را تشکیل می‌دهد (آلمن، تایلر، ۱۹۷۳). این هیجان‌ها در دامنه‌ای از احساس عشق، دوست داشتن، لذت و شادی تا غم، ناامیدی، حسد و نفرت، قرار دارند (ورتمن، لوفتوس، ویور ۴، ۱۹۹۹) و مطالعات نشان می‌دهند همسرانی که خود را برای یکدیگر فاش می‌سازند، رضایت بیشتری از ازدواج خود دارند (بشارت و همکاران، ۲۰۱۴؛ استرنبرگ ۵، ۱۹۸۷؛ واعظی، ۱۳۹۷) چراکه ناگویی هیجانی با کنترل هیجانی و بازداری از ابراز پاسخ‌های هیجانی مناسب هنگام تعامل با دیگران در ارتباط است (کاستاندا لویز، پناکوبا پوئنت و بنیتو مورنوا ۶، ۲۰۱۸؛ پلاتس، تیسون و ماسون ۷، ۲۰۰۲).

تعارضات زناشویی که در نهایت منجر به طلاق و جدایی زوجین از یکدیگر می‌شود پدیده‌ای چندبعدی است که می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار بگیرد. بنیان خانواده بر اساس پیمان زناشویی میان زن و شوهر شکل می‌گیرد تا در کنار هم زندگی آرام و سعادت‌مندی را تجربه نمایند، ولی متأسفانه شواهد فراوانی گویای آن است که زوجها در جامعه امروزی برای برقراری و حفظ روابط صمیمی و دوستانه به مشکلات شدید و فراگیری دچارند. از آنجاکه خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است، تاکنون پژوهش‌های بسیاری در خصوص رابطه بین ناگویی هیجانی (سعیدی و قاسمی، ۱۳۹۶؛ مهر آزاد صابر و زینعلی، ۱۳۹۳؛ مقتدر و حلاج، ۱۳۹۷؛ بیتسیکا، شارپلی و پیتززا ۸، ۲۰۱۰؛ کستونگی و

۱. Swart, Kortekaas & Aleman

۲. Kim, Chow, Bray, & Teti

۳. Waring, Holden, & Wesly

۴. wortman, Loftus, & Weaer

۵. Sternberg

۶. Castañeda López, Peñacoba Puente & Benito Moreno

۷. Platts, Tyson & Mason

۸. Bitsika, Sharpley & Peters

هیل، ۱، ۲۰۰۷) و ویژگی‌های شخصیتی (امینی و عارفی، ۱۳۹۸؛ محمدی، باباپور و علیپور، ۱۳۹۳؛ عیسی نژاد و همکاران، ۲۰۱۶) با تعارضات زوجین صورت گرفته است، اما تاکنون پژوهشی به این مهم که ویژگی‌های شخصیتی با تأثیر بر متغیر ناگویی هیجانی می‌تواند موجب تعارضات زناشویی شود نپرداخته است. لذا هدف از پژوهش حاضر تعیین برآزش مدل ساختاری ویژگی‌های شخصیتی و تعارضات زناشویی با نقش میانجی‌گری ناگویی هیجانی است.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش‌شناسی در زمره پژوهش‌های توصیفی همبستگی از نوع معادلات ساختاری ۲ است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد متأهل مراجعه‌کننده به کلینیک‌های روان‌شناسی منطقه ۲ شهر تهران در بازه زمانی بهمن‌ماه ۱۳۹۷ تا تیرماه ۱۳۹۸ بود که حداقل یک سال از زندگی زناشویی آنها گذشته باشد. نمونه موردنظر از جامعه ذکر شده به صورت هدفمند و به روش نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شد. جهت تعیین حجم نمونه به‌رغم بسیاری از پژوهشگران حداقل حجم نمونه لازم ۲۰۰ می‌باشد (هول‌تر ۳، ۱۹۸۳؛ گارور و منتزر ۴، ۱۹۹۹). کلاین نیز معتقد است در تحلیل ساختار برای هر پارامتر ۱۰ یا ۲۰ نمونه لازم است اما حداقل حجم نمونه ۲۰۰ قابل دفاع است. (کلاین ۵، ۲۰۱۰) بنابراین در این پژوهش حجم نمونه ۳۵۰ نفر در نظر گرفته شد که به‌منظور انتخاب نمونه تعداد ۱۰ عدد از مراکز مشاوره منطقه ۲ تهران به صورت تصادفی انتخاب و مراجعین این کلینیک‌ها در این بازه زمانی و از هر مرکز ۳۵ نفر به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دادند که در نهایت در غربالگری داده‌ها تعداد ۵۰ مورد از داده‌ها به علت نامناسب بودن از روند تحلیل حذف شدند و تحلیل داده‌ها با استفاده از ۳۰۰ مورد باقی‌مانده انجام شد. به‌منظور رعایت اصول اخلاقی پژوهش، به آزمودنی‌ها در خصوص طرح پژوهش و حفظ رازداری توضیح داده شد و آنها با رضایت آگاهانه وارد پژوهش شدند.

ابزار پژوهش

پرسشنامه تعارضات زناشویی ۶ (MCQ). این پرسشنامه یک ابزار ۵۴ گوی‌های است. این پرسشنامه دارای ۸ بعد از تعارضات زناشویی است. این ابزار در طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از کاملاً

۱. Castonguay & Hill

۲ structural equation model

۳ Hoelter

۴ Garver & Mentzer

۵ Kline

۶ marital conflict questionnaire

مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵ نمره گذاری می شود. سؤال های خرده مقیاس ها از این قرار است: کاهش همکاری، پرسش های ۴، ۱۲، ۱۸، ۲۵، ۳۴، کاهش رابطه جنسی، پرسش های ۵، ۱۳، ۱۹، ۳۵، ۴۰؛ افزایش جلب حمایت فرزند، پرسش های ۹، ۲۲، ۳۱، ۳۸، ۴۴؛ افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، پرسش های ۸، ۱۵، ۲۱، ۲۹، ۳۷، ۴۳؛ کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان، پرسش های ۱، ۲۳، ۳۲، ۴۶، ۵۰، ۵۳؛ جدا کردن امور مالی از یکدیگر، پرسش های ۲، ۱۰، ۱۷، ۲۴، ۳۳، ۳۹، ۴۸؛ کاهش ارتباط مؤثر پرسش های ۳، ۷، ۱۱، ۱۶، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۴۱، ۴۵، ۴۷، ۵۲، ۵۴ است؛ همچنین سؤالات ۳، ۱۱، ۱۴، ۲۶، ۳۰، ۳۳، ۴۵، ۴۷، ۵۴ به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. اعتبار این ابزار در پژوهش ثنایی (۱۳۸۷) با استفاده از روش همسانی درونی به شیوه آلفای کرونباخ برای کاهش همکاری ($\alpha=0/81$)، کاهش رابطه جنسی ($\alpha=0/61$)، افزایش واکنش های هیجانی ($\alpha=0/70$)، افزایش جلب حمایت فرزند ($\alpha=0/63$)، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ($\alpha=0/86$)، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ($\alpha=0/89$)، جدا کردن امور مالی از یکدیگر ($\alpha=0/71$)، کاهش ارتباط مؤثر ($\alpha=0/69$) و برای کل پرسشنامه ($\alpha=0/96$) به دست آمد.

پرسشنامه ویژگی های شخصیتی (NEO). این ابزار ۶۰ گوی های توسط مک کری و کاستا (۱۹۸۹) تهیه شده است. این ابزار در طیف لیکرت ۵ گزینه ای از کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵ نمره گذاری می شود. روان نژندی شامل سؤالات ۱ و ۶ و ۱۱ و ۱۶ و ۲۱ و ۲۶ و ۳۱ و ۳۶ و ۴۱ و ۴۶ و ۵۱ و ۵۶؛ برون گرایی - شامل سؤالات ۲ و ۷ و ۱۲ و ۲۷ و ۳۲ و ۳۷ و ۴۲ و ۴۷ و ۵۲ و ۵۷؛ گشودگی شامل سؤالات ۳ و ۸ و ۱۳ و ۱۸ و ۲۳ و ۲۸ و ۳۳ و ۳۸ و ۴۳ و ۴۸ و ۵۳ و ۵۸؛ توافق پذیری شامل سؤالات ۴ و ۹ و ۱۴ و ۱۹ و ۲۴ و ۲۹ و ۳۴ و ۳۹ و ۴۴ و ۴۹ و ۵۴ و ۵۹ و باوجدان بودن شامل سؤالات ۵ و ۱۰ و ۱۵ و ۲۰ و ۲۵ و ۳۰ و ۳۵ و ۴۰ و ۴۵ و ۵۰ و ۵۵ و ۶۰ است نمره معکوس در این پرسشنامه وجود ندارد. حق شناس (۱۳۸۷) پایایی این ابزار را با استفاده از آلفای کرونباخ برای عامل باوجدان بودن $0/81$ ، موافق بودن $0/71$ ، گشودگی $0/57$ ، برون گرایی $0/71$ و برای عامل روان نژندی $0/81$ به دست آوردند.

مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو (TAS_20). یک ابزار ۲۰ گوی های است که سه زیرمقیاس دشواری در شناسایی احساسات (۱-۳-۶-۷-۹-۱۳-۱۴)، دشواری در توصیف احساسات (۲-۴-۱۱-۱۲-۱۷) و تفکر عینی (۵-۸-۱۰-۱۵-۱۶-۱۸-۱۹-۲۰) را شامل می شود. نمره گذاری پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه ای است که از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق سنجیده و بررسی می شود؛ همچنین نمرات سؤال های (۴-۵-۱۰-۱۸-۱۹) به صورت معکوس نمره گذاری می شود. اعتبار این ابزار در پژوهش بشارت (۱۳۹۲) با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای سه زیر مقیاس دشواری در شناسایی

احساسات ($\alpha=0/85$)، دشواری در توصیف احساسات ($\alpha=0/82$) و تفکر عینی ($\alpha=0/75$) گزارش شده است.

بر اساس مبانی نظری و پژوهش‌های انجام‌شده مدلی فرضی تدوین شد که شامل رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و تعارضات زناشویی به‌واسطه نقش میانجی ناگویی هیجانی بود. جهت بررسی برازش مدل اصلی تحقیق، از روش تحلیل معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار ایموس^۱ استفاده شد که با توجه به نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول^۲ به‌عنوان متغیرهای مشاهده‌شده در مدل فرضی پژوهش ارائه شد. برای بررسی معناداری همبستگی‌های مشاهده‌شده از روش‌های خودگردان سازی (بوت استراپ) استفاده شد.

آماده‌سازی داده‌ها: نمونه اصلی این پژوهش مقداری شامل ۳۵۰ مورد بود که با توجه به غربالگری داده‌ها و بررسی مفروضه‌های آماری تعدادی از آنها در این مرحله از مجموع داده‌ها حذف شدند. موارد پاسخ کامل بررسی شد (مواردی که الگوی پاسخ یکسانی را برای پاسخگویی انتخاب کرده بودند) و هیچ مورد پاسخ کاملی وجود نداشت. جهت بررسی داده‌های پژوهش ابتدا مقادیر از دست‌رفته بررسی شدند و مقادیر از دست‌رفته^۳ تصادفی شناسایی و با میانگین جایگزین شدند. داده‌های پرت^۴ تک متغیره خارج از محدوده شناسایی و پس از بررسی داده‌های موجود مواردی که در محدوده بالا و پایین بودند حذف شدند. داده‌های پرت چند متغیره نیز با استفاده از روش فواصل مهالانوبیس^۵ شناسایی و از مجموع داده‌ها حذف شدند. نرمال بودن داده‌ها نیز با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف^۶ بررسی شد و نتایج نشان داد کلیه داده‌های پژوهش در سطح ($P \geq 0/05$) نرمال هستند. با توجه به پیچیدگی و تعداد متغیرهای مشاهده‌شده در ویژگی‌های شخصیت جهت رعایت اصل امساک^۷ و پیشگیری از پیچیدگی مدل از روش بسته‌بندی سؤال (Item Parceling) استفاده شد. در این روش با توجه به ویژگی‌های روان‌سنجی گویه‌های پرسشنامه‌ها و نیز بارهای عاملی بین سازه و متغیرهای مشاهده‌شده در این متغیر، هر دسته از گویه‌ها که دارای بارهای عاملی مشابه و نیز قرابت ویژگی‌های روان‌سنجی به‌عنوان یک بسته (parcel) در نظر گرفته شد. از مزایای این روش رعایت اصل امساک، جلوگیری از پیچیدگی مدل و برازش بهتر داده‌ها با مدل است (ماتسونگا، ۲۰۰۸)؛ در نتیجه بسته‌بندی کردن نیز جهت بررسی همخطی چندگانه از شاخص‌های (VIF) و (Tolerance) استفاده شد و نتایج نشان داد همبستگی

۱ Amos

۲ First Order Confirmatory Factor Analysis

۳ missing value

۴ outlier

۵ mahalanobis distance

۶ kolmogorov smirnov

۷ parsimony

چندگانه خطی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد (مقادیر Tolerance برابر با ۰/۰۱ یا کمتر و مقادیر VIF بزرگ‌تر از ۱۰ نشان‌دهنده همخطی چندگانه است). این مقدار برای متغیرهای ناگویی هیجانی (۰/۵۶۱ و ۱/۷۸۴)، برون‌گرایی (۰/۶۹۰ و ۱/۴۵۰)، باوجدان بودن (۰/۶۲۰ و ۱/۶۱۴)، موافق بودن (۰/۹۷۱ و ۱/۰۳)، گشودگی (۰/۸۶۹ و ۱/۱۵۱) و روان‌نژندی (۰/۷۳۶ و ۱/۳۵۸) گزارش شد. مفروضه استقلال خطاها نیز با استفاده از آماره دوربین و اتسون بررسی شد. نتایج نشان داد مقدار آماره این آزمون در محدوده ۰ تا ۴ قرار دارد (۱/۷۹۶)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بین خطاهای مدل همبستگی وجود ندارد و خطاها مستقل از یکدیگر هستند.

یافته‌ها

متغیرهای جمعیت شناختی: از بین ۳۰۰ نفر پاسخ‌دهنده مقطع سنی ۲۵ تا ۲۹ سال ۶۷ نفر (۲۲/۳ درصد)؛ ۳۰ تا ۳۴ سال ۸۶ نفر (۲۸/۷ درصد)؛ ۳۵ تا ۳۹ سال ۶۸ نفر (۲۲/۷ درصد)؛ ۴۰ تا ۴۴ سال ۴۷ نفر (۱۵/۷ درصد) و ۴۵ سال و بالاتر ۳۳ نفر (۱۰/۶ درصد) از کل افراد پاسخ‌دهنده را تشکیل داده بودند. از نظر سطح تحصیلات نیز ۵۳ نفر (۱۷/۷ درصد) تحصیلات زیر دیپلم؛ ۱۲۹ نفر (۴۳ درصد) دیپلم و فوق دیپلم؛ ۸۴ نفر (۲۸ درصد) تحصیلات لیسانس و ۳۴ نفر (۱۱/۳ درصد) دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر بودند. پس از اطلاعات جمعیت شناختی در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش (میانگین، انحراف استاندارد، کجی، کشیدگی) ارائه شد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
برون‌گرایی	۴۴/۲	۱۰/۷	-۰/۷۸	-۰/۲۳
باوجدان بودن	۴۱/۵	۹/۵	-۰/۰۸	-۰/۹۸
موافق بودن	۳۹/۷	۱۰/۵	-۰/۱۳	-۰/۸۶
گشودگی	۴۰/۳	۱۳/۴	-۰/۴۹	-۰/۸۶
روان‌نژندی	۱۷/۵	۱۰/۲	-۰/۳۲	-۰/۳۸
دشواری در شناسایی احساسات	۱۴/۴	۵/۳	-۰/۵۳	-۰/۱۸
دشواری در توصیف احساسات	۱۳/۰	۴/۱	-۰/۶۷	-۰/۱۳
تفکر عینی	۱۴/۶	۶/۱	-۰/۷۱	-۰/۵۸
کاهش همکاری	۱۴/۹	۳/۱	-۰/۲۲	-۰/۹۶
کاهش رابطه جنسی	۸/۷	۳/۳	-۰/۷۳	-۰/۴۴
افزایش واکنش‌های هیجانی	۱۰/۹	۴/۱	-۰/۵۳	-۰/۸۴
افزایش جلب حمایت فرزند	۱۰/۷	۲/۸	-۰/۷۱	-۰/۹۲
افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود	۱۱/۲	۳/۰	-۰/۶۱	-۰/۷۸
کاهش رابطه با خویشاوندان همسر	۱۳/۳	۴/۳	-۰/۷۴	-۰/۴۹
جدا کردن امور مالی از یکدیگر	۱۲/۳	۶/۵	-۰/۴۲	-۰/۱۶
کاهش ارتباط مؤثر	۱۲/۷	۶/۰	-۰/۲۱	-۰/۴۹

پس از بررسی آمار توصیفی، جهت بررسی روابط بین متغیرها از ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش استفاده شد.

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲
تعارضات زناشویی	۱	
ناگویی هیجانی	۰/۶۶۷**	۱
برون‌گرایی	-۰/۴۱۸**	-۰/۶۰۸**
باوجدان بودن	-۰/۵۱۲**	-۰/۶۱۷**
موافق بودن	-۰/۵۵۷**	-۰/۵۲۷**
گشودگی	-۰/۴۷۱**	-۰/۵۹۶**
روان‌نژندی	۰/۷۱۱**	۰/۵۰۲**

($P \leq ۰/۰۱$)**

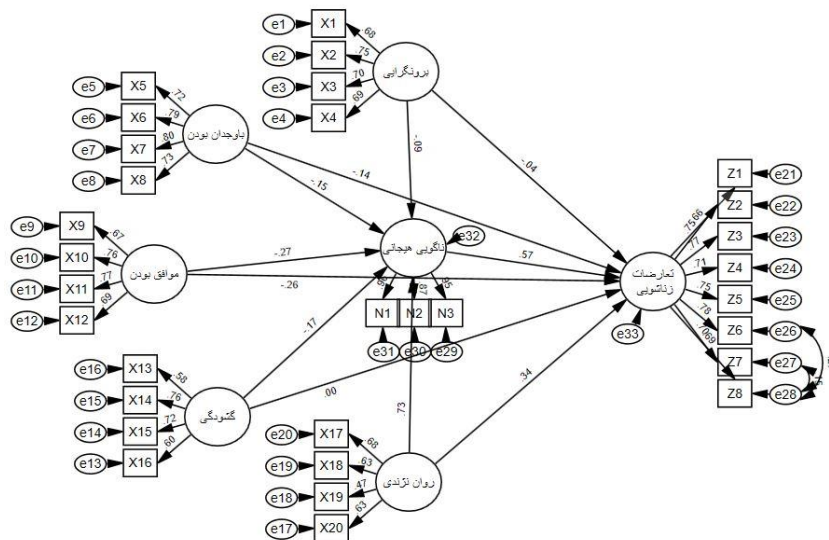
همان‌طور که از نتایج جدول ۲ مشاهده شد عامل‌های پرسشنامه رابطه همبستگی معنادار ($۰/۰۱$) با یکدیگر دارند.

نتایج تحلیل معادلات ساختاری با استفاده از داده‌های تجربی نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی و تعارضات زناشویی به‌واسطه نقش میانجی ناگویی هیجانی با یکدیگر رابطه دارند؛ بنابراین نتایج مربوط به برخی از مهم‌ترین شاخص‌های برازش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری پژوهش

نام شاخص	مقدار کفایت برازش	مطلوبیت
نسبت کای اسکوئر به درجات آزادی	۲/۳۱	کمتر از ۴
ریشه خطای میانگین مجذورات تقریبی (RMSEA)	۰/۰۶۶	کمتر از ۰/۱
شاخص نرم شده برازش (NFI)	۰/۹۰۰	بالاتر از ۰/۹۰
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۱۰	بالاتر از ۰/۹۰
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۰۷	بالاتر از ۰/۹۰

نتایج حاصل از جدول ۲ حاکی از آن است پس از اصلاح مدل تمامی شاخص‌ها در حد مطلوب گزارش شده‌اند و مدل با داده‌ها برازش مناسبی دارد و از آنجاکه مقادیر مطلوبیت نسبی هستند بیانگر این است که رابطه خطی بین متغیرها و سازه‌های مکنون وجود دارد. در ادامه ضرایب مسیر استاندارد شده، خطاهای هر نشانگر در مدل ارائه شده گزارش شده است.



شکل ۱. ضرایب استاندارد شده مدل تحلیل معادلات ساختاری

مدل ارائه شده پژوهش در شکل ۱ از نوع بازگشتی ۱ است، به این معنی که کلیه مسیرها یک طرفه هستند. در مدل اولیه ویژگی‌های شخصیتی و تعارضات زناشویی با نقش واسطه‌ای ناگویی هیجانی ارتباط دارند؛ با توجه به اینکه در مدل تحلیل مسیر آزمون شده مسیرهای بین متغیرهای مکنون همان فرضیه‌های پژوهش هستند، در ادامه به اثرات مستقیم و غیرمستقیم به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است.

بنا بر مدل ارائه شده در شکل ۱، ویژگی‌های شخصیتی با تعارضات زناشویی رابطه مستقیم و به واسطه نقش میانجی ناگویی هیجانی با تعارضات زناشویی رابطه غیرمستقیم دارد در جدول ۳ مقدار ضریب مذکور به همراه آماره معناداری آن ارائه شده است.

جدول ۳ ضرایب و معناداری اثرات ویژگی‌های شخصیتی بر تعارضات زناشویی

متغیر مستقل	نوع اثر	متغیر وابسته	ضریب مسیر	معناداری
برون گرایی	مستقیم	تعارضات	-۰/۰۴	۰/۲۷۸
	غیرمستقیم	زناشویی	-۰/۱۱	۰/۰۴۷
باوجدان بودن	مستقیم	تعارضات	-۰/۱۴	۰/۰۰۱
	غیرمستقیم	زناشویی	-۰/۱۵	۰/۰۰۱
موافق بودن	مستقیم	تعارضات	-۰/۲۶	۰/۰۰۱
	غیرمستقیم	زناشویی	-۰/۳۴	۰/۰۰۱
گشودگی	مستقیم	تعارضات	-۰/۰۱	۰/۹۷۹
	غیرمستقیم	زناشویی	-۰/۳۱	۰/۰۰۱

روان‌نژندی	مستقیم	تعارضات	۰/۳۴	۰/۰۰۱
	غیرمستقیم	زناشویی	۰/۷۱	۰/۰۰۱

همان‌طور که نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل مسیر در جدول ۳ نشان داد، از بین ویژگی‌های شخصیتی، باوجدان بودن ($\beta = -0/14$)، موافق بودن ($\beta = -0/26$) و روان‌نژندی ($\beta = 0/34$) با تعارضات زناشویی رابطه مستقیم دارد که این روابط از نظر آماری با ۹۵ درصد اطمینان ($P \leq 0/05$) معنادار است. همچنین ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی ($\beta = -0/11$)، باوجدان بودن ($\beta = -0/15$)، موافق بودن ($\beta = -0/34$)، گشودگی ($\beta = -0/31$) و روان‌نژندی ($\beta = 0/71$) به‌واسطه نقش میانجی ناگویی هیجانی با تعارضات زناشویی رابطه غیرمستقیم دارد که این روابط نیز از نظر آماری با ۹۵ درصد اطمینان ($P \leq 0/05$) معنادار است.

نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش تعیین مدل‌سازی ویژگی‌های شخصیتی و تعارضات زناشویی با نقش میانجی ناگویی هیجانی بود. نتایج این پژوهش نشان داد این مدل از برازش مطلوبی برخوردار است و همچنین ویژگی‌های شخصیتی به‌صورت مستقیم و از طریق نقش میانجی ناگویی هیجانی با تعارضات زناشویی رابطه دارد. این نتیجه آماری از نظر مفهومی به این معناست که شدت و مقدار ویژگی‌های شخصیتی زوجین می‌تواند باعث افزایش تعارض بین زوجین شود و این رابطه علاوه بر رابطه مستقیمی که دارد تحت تأثیر متغیر ثانویه‌ای مانند ناگویی هیجانی قرار می‌گیرد.

نتایج پژوهش‌ها در خصوص سازگاری بین زوجین و عدم تعارض دو عامل کلی درون شخصی و برون شخصی را نشان می‌دهد که عامل درون شخصی همان ویژگی‌های شخصیت نام دارد (حسینی نصب و همکاران، ۱۳۸۷). هر فرد با توجه به ویژگی‌های شخصیتی منحصر به فرد خود از دیگران متمایز می‌شود و در واقع شخصیت واکنشی است که یک فرد در برابر محرک‌های بیرونی از خود نشان می‌دهد. این ویژگی‌های شخصیتی تعیین‌کننده روش‌های تعامل و سازگاری فرد با سایر افراد و موقعیت‌ها است که می‌تواند پایه‌ای برای پیش‌بینی رفتار فرد در موقعیت‌های مختلف باشد. زوجین در واکنش به دیگری تفکر، رفتار و هیجان‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهد که مشخص‌کننده شخصیت آنهاست پس می‌تواند فاکتور مهمی در تنظیم روابط آنها در زندگی مشترک باشد. زوجین با شخصیت‌های متفاوت پای به زندگی مشترک می‌گذارند و عدم درک این ویژگی‌ها و برقراری ارتباط صمیمی از سوی همسر مهم‌ترین عوامل ایجاد تعارضات زناشویی است. زمانی که افراد زندگی مشترک خود را آغاز می‌کنند به علت تفاوت‌های بین فردی و درون فردی، تعارضاتی بین زوجین به

وجود می‌آید. این تفاوت‌ها دامنه وسیعی از عادت‌های غذایی تا آداب و رسوم خانوادگی و نحوه لباس پوشیدن را در بر می‌گیرد. هرگاه این تفاوت‌ها به‌خوبی مدیریت نشود رفته‌رفته سبب بروز تعارضات جدی در بلندمدت می‌شود. البته شدت این تعارضات با توجه به ویژگی‌های شخصیتی زوجین و چگونگی مقابله با این تعارضات متفاوت است. برخی از افراد بنا بر ویژگی شخصیتی خود به سادگی می‌توانند این تعارضات را مدیریت کنند و با بیان صحیحی از هیجانان خود از بحرانی شدن شرایط جلوگیری می‌کنند که این هیجانان می‌تواند طیف وسیعی از هیجانان مثبت و منفی را دربر بگیرد. زمانی بین زوجین تعارض به وجود می‌آید هیجانان نام‌برده برانگیخته می‌شوند و تجربه ناخوشایند و غیر قابل‌تحملی را برای هر یک از زوجین به وجود می‌آورد چرا که هر یک از این هیجانان می‌تواند یادآور تجارب منفی و ناخوشایند در گذشته فرد باشد و فرد را وادار می‌کند به منظور دفاع از خود واکنش‌هایی را بروز دهد. به عقیده یونگ و لانگ (۱۹۹۸) نیز تعارض زناشویی هنگامی بروز می‌کند که زوجین در مراحل غیر قابل‌پیش‌بینی درجات مختلفی از شرایط بحرانی و استرس‌زا را تحمل می‌کنند که این فشار روانی زمینه را برای بروز اختلافات و تعارض بین زوجین را فراهم می‌کند (سعیدی، بهرامی و اعتمادی، ۱۳۸۵).

ناگویی هیجان به وجود دشواری در شناسایی احساسات و توانایی کم در تمایز هیجانان از احساسات بدنی، دشواری در توصیف هیجانان برای دیگران و سبک‌فکری متمرکز بر وقایع بیرونی اشاره دارد (پارکر، تیلور و گنپی، ۲۰۰۱). افراد دارای ناگویی هیجانی توان بیان نیازهایشان به دیگران را ندارند و فاقد توانایی مقابله با چالش‌های بین فردی در موقعیت‌های اجتماعی و زناشویی می‌باشند. این افراد به‌جای تجارب روان‌شناختی و عاطفی بیشتر درگیر تجارب فیزیکی خود می‌شوند. وجود ناتوانی در پردازش شناختی اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجانان موجب می‌شود که زوجین در ارتباط با یکدیگر به‌خوبی مفهوم رفتار همسر خود را متوجه نشده، با توجه به عدم توانایی در تنظیم هیجانان خود، موجب افزایش تعارضات زناشویی شوند (کوئلتی و همکاران، ۲۰۱۷). افراد دارای ناگویی هیجانی توانایی کمی در تجربه احساسات مثبت مانند شادی دارند همین امر موجب کاهش تعامل مثبت در ارتباطات زوجین و افزایش تنش و تعارضات در زندگی زناشویی می‌شود (ولیانپور و همکاران، ۱۳۹۴). زوجین به دلیل دشواری در فهم بیان چهره‌ای از طرف مقابل، ظرفیت کمتری برای همدلی از خود نشان می‌دهند که می‌تواند سبب بی‌توجهی و بی‌علاقگی نسبت به همسر و ایجاد تعارضات زناشویی شود (ون هول و همکاران، ۲۰۰۷). نتایج پژوهش کاترین و تیمرمن (۲۰۰۳) ارتباط مؤثر و ابراز هیجانان عاملی اساسی در تعارضات زناشویی معرفی شده است؛ زیرا توانایی ایجاد و حفظ یک رابطه عاشقانه رضایت‌بخش در زندگی مشترک نیازمند تشخیص عواطف، هیجان‌ها و ابراز آنها و همچنین توانایی فهمیدن و درک احساسات همسر است (واچز و کوردوا، ۲۰۰۷) زوجین دارای ناگویی هیجانی از این مهم عاجز هستند. نتایج پژوهش سعیدی و قاسمی (۱۳۹۶) نشان داد ناگویی هیجانی

به راهبردهای نامناسب در نظم جویی هیجان منجر می‌شود همین امر موجب افزایش تعارضات زناشویی می‌گردد.

طبق نظریه‌های هیجانی، افراد در شیوهٔ تجربهٔ هیجان‌ات و مفهوم‌سازی آنها متفاوت هستند و بسته به باورهایی که در مورد هیجان‌ات خود دارند، روش‌های متفاوتی برای اقدام انتخاب می‌کنند (سیلور^۱، ۲۰۱۲). افرادی که هیجان‌ات خود را ابراز نمی‌کنند آمادگی لازم برای درک حالت‌های هیجانی منفی را دارند که احتمال ابتلا به اختلال‌های خلقی در آنها افزایش پیدا می‌کند (کیم، چو، بری و تتی^۲، ۲۰۱۷). آسیب‌پذیری افراد مبتلا به ناگویی هیجانی به مشکلات روانی بالا می‌باشد و علائم با رفتارهای ناسالمی مثل مصرف مواد، الکل، اختلال خوردن، رفتارهای ناسازگار در سبک زندگی و حمایت‌های اجتماعی ضعیف بیشتر می‌شود (زنگ، سان، یانگ و فو^۳، ۲۰۱۶). ناگویی هیجانی با رفتارهای خود آسیب‌رسان نیز رابطه دارد و در نتیجه آسیب‌پذیری افراد به بیماری‌های جسمی نیز افزایش می‌یابد (پری، لرکز، دانبار و کاواناف^۴، ۲۰۱۷). درک عاطفی پایین می‌تواند نسبت واقعی رابطه بین صفات شخصیتی و ناگویی هیجانی را نمایان سازد، بنابراین می‌توان فرض کرد که استحکام رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و ناگویی هیجانی در نمونه‌های جوان‌تر نسبت به نمونه‌های سالمند، شدیدتر خواهد بود (سالمینن^۵، ۱۹۹۹).

هر یک از ویژگی‌های شخصیتی به‌نوعی می‌تواند زمینه‌ساز ناگویی هیجانی و در نهایت تعارضات زناشویی شود. روان‌نژندی یکی از ویژگی‌های شخصیتی است که با ثبات هیجانی بالا و اضطراب پایین در یک سوی پیوستار و در سوی دیگر آن، بی‌ثباتی هیجانی و اضطراب بالا قرار دارد. افراد با مقادیر بالا از این ویژگی شخصیتی دارای هیجان‌ات غیرمنطقی بیشتر و توانایی اندک در مهار رفتارهای برانگیختگی و ضعف در کنار آمدن با مشکلات هستند (فیسست و فیسست، ۲۰۱۳، ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۸). این دسته از افراد توانایی کنترل هیجان‌ات خود را ندارند و اغلب نوسانات خلقی بسیاری را تجربه می‌کنند. داشتن سطح بهینه‌ای از هیجان‌ات برای هر فردی در زندگی اهمیت به‌سزایی دارد. افرادی که سطوح بالا و پایینی از این هیجان‌ات را تجربه می‌کنند به شکل‌های مختلفی به مشکل برخورد می‌کنند. البته افرادی که از تنظیم شناختی هیجانی مناسبی برخوردار هستند می‌توانند به‌خوبی هیجان‌ات خود را در جهت بهبود هرچه بهتر زندگی زناشویی خود استفاده کنند. زمانی که این افراد زندگی مشترک خود را آغاز می‌کنند به علت تفاوت‌های بین فردی با هم‌سر خود غالب اوقات در تعارض با هم‌سر خود هستند. ریشه بسیاری از این تعارضات در عدم مهارت در کنترل

۱ Silver

۲. Kim, Chow, Bray, & Teti

۳. Zeng, Sun, Yang, & Fu

۴. Perry, Leerkes, Dunbar & Cavanaugh

۵ Salminen

هیجان‌های منفی و سازمان‌دهی هیجان‌های مثبت است، این افراد در مواقع خشم و ناراحتی و حتی در مواقع خوشحالی نمی‌توانند به خوبی هیجان‌های خود را ابراز کنند و تجربه‌هایی از لحظات شاد و ناراحتی خود را با شریک زندگی خود به اشتراک بگذارند و در نتیجه تمام این عدم ابرازها، تعارضات بین فردی به وجود می‌آید. در مقابل روان‌نژندی ویژگی‌های دیگری همچون برون‌گرایی، باوجدان بودن، موافق بودن و گشودگی در تجربه است. دسته دیگر ویژگی‌های شخصیت افرادی مردم‌آمیز و مشتاق تحریک و هیجان پذیر هستند، زیباپسند، تواضع و دیگر دوستی دارند که به سبب این تنوع از ویژگی‌های مثبت می‌توانند هیجان‌های خود را به خوبی ابراز کنند.

برون‌گرایی که از جنبه‌های گرمی و محبت، جمع‌گرایی، جرأت‌ورزی، فعالیت، هیجان خواه، عواطف مثبت و مطلوب) تشکیل یافته است (لاینون، گوداشتا، ۱۳۸۲) برای همسران فضای شاد و دل‌انگیزی را در خانواده ایجاد کنند و سطح سازگاری زناشویی خودشان را بالا برند. اس‌اس‌اویژگی برون‌گرایی دارای قابلیت شوخ‌طبعی و شادمانی (گروسی، صوفیانی، ۱۳۸۷) بوده، شرایط زندگی مطلوب را به وجود می‌آورد. همساز (دلپذیر بودن که از جنبه‌های اعتماد، درستکاری و صراحت، نوع‌دوستی، فرمان‌برداری، میانه‌روی و فروتنی) تشکیل یافته است (جعفری، ۱۳۸۵). موجب ایجاد روحیه دل‌رحمی و صداقت در روابط زوجین می‌شود. همچنین نتایج این پژوهش همسو با نتایج پژوهش‌های (امینی و عارفی، ۱۳۹۸)؛ (امینی و عارفی، ۱۳۹۷)؛ (نوابی و داودی، ۱۳۹۶)؛ (کرای و رضایی، ۱۳۹۶)؛ (آقا جان‌بگلو و همکاران، ۱۳۹۴)؛ (نگونی، ۲۰۱۴)؛ (کوهی و همکاران، ۱۳۹۳)؛ (صدری، ۱۳۹۳)؛ (صفاری، ۱۳۹۲)؛ (شاهمرادی و همکاران، ۱۳۹۰) می‌باشد.

در مجموع می‌تواند این‌گونه بیان کرد که ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند نقش بسزایی در کلیه مراحل زندگی داشته باشد. با توجه به اهمیت موضوع مطرح شده و تأثیر بسزایی که در زندگی دارد پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی پژوهش‌هایی کیفی در زمینه شناخت هرچه بهتر این روابط استفاده شود تا بتوانند از این طریق به بهبود روابط خانوادگی کمک کنند. در پایان ذکر این نکته ضروری است که یافته‌های پژوهش حاضر نیازمند آن است که در بافت محدودیت‌های آن تفسیر شود. اجرای پژوهش با استفاده صرف از ابزار خود گزارش دهی از جمله این محدودیت‌ها بود که با توجه به روش نمونه‌گیری تعمیم و تفسیر نتایج را نیازمند احتیاط ویژه می‌نماید. انجام پژوهش‌های مکمل با روش‌های آزمایشی و علی-مقایسه‌ای به‌ویژه با کنترل متغیرهای تأثیرگذار در این روابط در چهارچوب مدل یابی معادلات ساختاری در این زمینه پژوهشی، پیشنهاد می‌شود.

منابع

امینی، فرشته و عارفی، مختار (۱۳۹۸). پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس شیوه‌های فرزندپروری، ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دل‌بستگی زنان شهر کرمانشاه. نشریه پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، (۴) ۳۳-۲۳.

امینی، فرشته. عارفی، مختار. (۱۳۹۸). پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس شیوه‌های فرزندپروری و ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دل‌بستگی زنان شهر کرمانشاه. پیشرفت‌های نوین و علوم رفتاری. شماره ۳۳.

آقاجانبگلو، سوسن؛ محمدی یوسف نژاد، سید یونس و درویشیان، دلیر (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی (بر اساس نظریه NEO) و مؤلفه‌های عشق (بر اساس نظریه استرنبرگ) با تعارضات زناشویی در بین کارکنان متأهل زن و مرد شاغل در شبکه بهداشت و درمان سال ۱۳۹۳. کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم رفتاری و اجتماعی. بارون، رابرت؛ بیرن، دان و برنسکامب، نایلا. (۲۰۰۶). روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه: کریمی، یوسف. (۱۳۹۶). نشر روان: تهران.

بشارت، محمدعلی. (۱۳۹۲). مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو: پرسشنامه، روش اجرا و نمره‌گذاری (نسخه فارسی). نشریه روان‌شناسی تحولی (روان‌شناسان ایرانی)، ۱۰(۳۷)، ۹۰-۹۲. جهاننیده کاظم پور، مهرداد. (۱۳۸۲). اندازه‌گیری رضایت مشتری، آسیب‌شناسی و سازوکارهای آن. چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیران کیفیت.

حسینی نسب، سید داود. بدوی، رحیم. قائمیان اسکویی، آيسان. (۱۳۸۷). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های حل تعارض بین فردی با سازگاری زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد تبریز. مجله آموزش و ارزیابی. ۱(۴). ۱۰۵-۱۳۰. حق‌شناس، حسن. (۱۳۸۵). طرح پنج عاملی ویژگی‌های شخصیت. انتشارات دانشگاه علوم پزشکی: شیراز.

سعیدی، مهر و قاسمی، میثم. (۱۳۹۶). بررسی ناگویی هیجانی و تعارضات زناشویی در زنان در آستانه طلاق و متأهل. دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی، تهران، مرکز توانمندسازی مهارت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه.

سعیدی، مهری و قاسمی، میثم. (۱۳۹۶). بررسی ناگویی هیجانی و تعارضات زناشویی در زنان در آستانه طلاق و متأهل. دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی، تهران، مرکز توانمندسازی مهارت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه.

سعیدی، مهری. قاسمی، میثم. (۱۳۹۶). بررسی ناگویی هیجانی و تعارضات زناشویی در زنان در آستانه طلاق و متأهل. دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی، تهران، مرکز توانمندسازی مهارت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه.

سعیدی، لیلا؛ بهرامی، فاطمه و اعتمادی، عذرا (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی زوج‌درمانی کوتاه‌مدت راه‌حل‌مدار بر کاهش تعارضات زوجین شهرستان. فصلنامه پژوهش‌های مشاوره تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۵(۲۰)، ۳۹-۲۰.

- شاهمردادی، سمیه؛ فاتحی زاده، مریم و احمدی، احمد (۱۳۹۰). پیش‌بینی تعارض زناشویی از طریق ویژگی‌های شخصیتی، روانی و جمعیت شناختی زوج‌ها. نشریه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۴۳(۱۲)، ۳۳-۴۴.
- شولتز، دوان پی. شولتز، سیدنی آلن. (۲۰۱۳). نظریه‌های شخصیت. ترجمه: سیدمحمدی، یحیی. (۱۳۹۳). انتشارات ویرایش: تهران.
- صدری، افسانه (۱۳۹۳). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی، سبک دل‌بستگی و تعهد زناشویی با تعارضات زناشویی در بین زوجین کارمند ادارات دولتی شهرستان شهرضا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هرمزگان.
- صفاری، حکیمه (۱۳۹۲). رابطه سبک‌های دل‌بستگی و ویژگی‌های شخصیتی با تعارضات زناشویی در کارکنان آموزش و پرورش سبزوار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- فیست، جس. فیست، گریگوری جی. رابرتس، تامی آن. (۲۰۱۳). نظریه‌های شخصیت. ترجمه سید محمدی، یحیی. (۱۳۹۸). نشر روان: تهران.
- کرایبی، آذین و رضایی، حامد (۱۳۹۶). پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و رفتار مشکل‌آفرین در زوجین شهرستان ممسنی. کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.
- کوهی، سمانه. اعتمادی، عذرا. فاتحی زاده، مریم. (۱۳۹۳). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روانی با سرخوردگی زناشویی در زوجین. پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری. ۴(۱). ص ۷۱-۸۴.
- گوئرین، فیلیپ؛ فای، لئو؛ بوردن، سوزان و کائوتو، جودی گیلبرت (۱۹۸۷). ارزیابی و درمان تعارض زناشویی (رویکرد چهار مرحله‌ای). ترجمه: بهاری، فرشاد. (۱۳۹۸). تهران: انتشارات رشد.
- مامی، شهرام؛ صفری، عبدالمحمد؛ منصوریان، مرتضی؛ قربانی، مصطفی و کیخاونی، ستار. (۱۳۹۵). کاهش تعارضات زناشویی با آموزش مهارت حل مسئله در مراجعین به مرکز مشاوره کمیته امداد امام (ره). مجله ره‌آورد سلامت، ۲(۱)، ۲۹-۳۸.
- مهرآزاد صابر، مریم و زینعلی، شینا. (۱۳۹۳). رابطه ناگویی هیجانی و شادکامی با تعارضات زناشویی در بین زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر رشت. اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، موسسه آموزش عالی مهر اروند، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
- نوابی، زهرا و داودی، سیده مرضیه (۱۳۹۶). تعارض زناشویی و شخصیت. سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، روانشناسی و علوم اجتماعی.

واعظی، عاطفه. (۱۳۹۷). تأثیر درمان پذیرش و تعهد بر سلامت روانی و خودافشایی هیجانی افراد متأهل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
ولیانپور، قاسم؛ احتشام زاده، پروین و مکوندی، بهنام (۱۳۹۴). مقایسه ناگویی خلقی و راهبردهای مقابله‌ای در دانشجویان متأهل زن و مرد دانشگاه آزاد اسلامی اهواز، کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی، شیراز، مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران (متانا).

Antoine, P., Antoine, C., & Nandrino, J. L. (2008). Development and validation of the cognitive inventory of subjective distress. *International Journal of Geriatric Psychiatry: A journal of the psychiatry of late life and allied sciences*, 23(11), 1175-1181.

Atari, M., & Yaghoubirad, M. (2016). The Big Five personality dimensions and mental health: The mediating role of alexithymia. *Asian journal of psychiatry*, 24, 59-64.

Besharat, M. A., Naghshineh, N., Ganji, P., & Tavalaeayan, F. (2014). The moderating role of attachment styles on the relationship of alexithymia and fear of intimacy with marital satisfaction. *International Journal of Psychological Studies*, 6(3), 106.

Bitsika, V., Sharpley, C. F., & Peters, K. (2010). How is resilience associated with anxiety and depression? Analysis of factor score interactions within a homogeneous sample. *German journal of psychiatry*, 13(1), 9-16.

Castonguay, L. G., & Hill, C. E. (2007). *Insight in psychotherapy* (pp. xvi-481). American Psychological Association.

Cummings, E. M., & Davies, P. T. (2010). *Marital conflict and children: An emotional security perspective*. Guilford Press.

Eysenck, H. J., & Eysenck, M. W. (1985). *Personality and individual differences: A natural science approach*. New York: Plenum.

Faircloth, B. (2012). *Children and Marital Conflict: A Review*. Case makers. 6(1). 1-5.

Frye, N., Ganong, L., Jensen, T., & Coleman, M. (2020). A Dyadic Analysis of Emotion Regulation as a Moderator of Associations Between Marital Conflict and Marital Satisfaction Among First-married and Remarried Couples. *Journal of Family Issues*, 0192513X20935504.

Garver, M. S., & Mentzer, J. T. (1999). Logistics research methods: employing structural equation modeling to test for construct validity. *Journal of business logistics*, 20(1), 33.

Ghaem Magami, T., Abolghasemi, A., & Niknam, M. (2017). The Role Of Intimacy and Communicative Dynamics in Predicted of Family

Function in Women with Marital Conflict. *International Journal of Advanced Studies in Humanities and Social Science*, 6(1), 17-22.

Gross, J. J., & John, O. P. (2003). Individual differences in two emotion regulation processes: Implications for affect, relationships, and well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 85, 348-362.

Hanson, R. K. (2003). Empathy deficits of sexual offenders: A conceptual model. *Journal of Sexual Aggression*, 9(1), 13-23.

Humphreys, T. P., Wood, L. M., & Parker, J. D. (2009). Alexithymia and satisfaction in intimate relationships. *Personality and Individual Differences*, 46(1), 43-47.

Isanejad, O., Amani, A., Azizi, A., & Azimifar, S. (2016). The relationship between personality factors, self-control and marital coping strategies with marital conflict. *International Journal of Behavioral Sciences*, 9(4), 19-25.

Isanejad, O., Amani, A., Azizi, A., & Azimifar, S. (2016). The relationship between personality factors, self-control and marital coping strategies with marital conflict. *International Journal of Behavioral Sciences*, 9(4), 19-25.

Iveniuk, J., Waite, L. J., Laumann, E., McClintock, M. K., & Tiedt, A. D. (2014). Marital conflict in older couples: Positivity, personality, and health. *Journal of marriage and family*, 76(1), 130-144.

James Parker, T. (2019). Conflict Style and Marital Satisfaction in Black Intercultural Couples.

Kiley, W. J. (2017). The impact of principal mentoring programs on the moral judgment of school principals. *Indiana University of Pennsylvania*.

Kim, B. R., Chow, S. M., Bray, B., & Teti, D. M. (2017). Trajectories of mothers' emotional availability: Relations with infant temperament in predicting attachment security. *Attachment & human development*, 19(1), 38-57.

Parker, J.D.A., Taylor, G.J., & Bagby, R.M. (2001). The relationship between emotional intelligence and alexithymia. *Personality and individual differences*, 30, 107-115.

Kim, B. R., Chow, S. M., Bray, B., & Teti, D. M. (2017). Trajectories of mothers' emotional availability: Relations with infant temperament in predicting attachment security. *Attachment & human development*, 19(1), 38-57.

Kim, B.R., Chow, S.M., Bray, B., & Teti, D.M. (2017) Trajectories of mothers' emotional availability: relations with infant temperament

in predicting attachment security. *Attachment & Human Development*, 19, 38-57.

Kline, G. H., Pleasant, N. D., Whitton, S. W., & Markman, H. J. (2006). *Understanding Couple Conflict*.

Kline, R. B., & Kline, R. B. (1998). *Principles and practice of structural*.

Kreitler, S. (2002). The psychosemantic approach to alexithymia. *Personality and individual Differences*, 33(3), 393-407.

Liu, X. L., & Wang, J. H. (2010). A Correlation Study on Personality, Coping Style and Marital Conflict of Delinquent Juvenile. *Journal of Heilongjiang College of Education*, 6.

Markman, H. J., Stanley, S. M., & Blumberg, S. L. (2010). *Fighting for your marriage: A deluxe revised edition of the classic best-seller for enhancing marriage and preventing divorce*. John Wiley & Sons.

Murphy, Christina; Barry, Margaret M.; Nic Gabhainn, Saoirse. (2018). Programme Implementation in Schools: Conceptualisations from Irish Teachers. *Health Education*, v118 n6 p483-498.

Obara, Y., & Kashihara, A. (2017). Refining Presentation Documents with Presentation Schema. *International Association for Development of the Information Society*.

Park, H. J., & Byun, S. H. (2017). Effects of Self-differentiation of Remarried Couples, Marital Intimacy, Marital Conflict Coping Style on Marital Satisfaction. *The Journal of the Korea Contents Association*, 17(7), 236-252.

Perry, N.B., Leerkes, E.M., Dunbar, A.S., & Cavanaugh, A.M. (2017). Gender and ethnic differences in young adults' emotional reactions to parental punitive and minimizing emotion socialization practices. *Emerging Adulthood*, 5, 83-92.

Platts, H., Tyson, M., & Mason, O. (2002). Adult attachment style and core beliefs: Are they linked?. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 9(5), 332-348.

Salminen, J. K., Saarijärvi, S., Äärelä, E., Toikka, T., & Kauhanen, J. (1999). Prevalence of alexithymia and its association with sociodemographic variables in the general population of Finland. *Journal of psychosomatic research*, 46(1), 75-82.

Shishido, H. (2011). *Alexithymia and Impulsivity: Testing Mechanisms for Alcohol Use and Related Problems* (Doctoral dissertation, University of South Dakota).

Shishido, H. (2011). *Alexithymia and Impulsivity: Testing Mechanisms for Alcohol Use and Related Problems* (Doctoral dissertation, University of South Dakota).

- Silver, A. (2012). The secret of staying in love.
- Stamps, J. A., & Metcalf, R. A. (2019). Parent-offspring conflict. In *Sociobiology: Beyond Nature/Nurture?* (pp. 589-618). Routledge.
- Stinson, M. A., Bermúdez, J. M., Gale, J., Lewis, D., Meyer, A. S., & Templeton, G. B. (2017). Marital satisfaction, conflict resolution styles, and religious attendance among Latino couples: Using the actor-partner interdependence model. *The Family Journal*, 25(3), 215-223.
- Swart, M., Kortekaas, R., & Aleman, A. (2009). Dealing with feelings: characterization of trait alexithymia on emotion regulation strategies and cognitive-emotional processing. *PloS one*, 4(6), e5751.
- Swart, M., Kortekaas, R., & Aleman, A. (2009). Dealing with feelings: characterization of trait alexithymia on emotion regulation strategies and cognitive-emotional processing. *PloS one*, 4(6), e5751.
- Talanquer, Vicente. (2018). Progression in Reasoning about Structure property Relationships. *Chemistry Education Research and Practice*. V19. NO4. P998-1009.
- Vogel, S., Klun, L. M., Fernández, G., & Schwabe, L. (2018). Stress leads to aberrant hippocampal involvement when processing schema-related information. *Learning & Memory*, 25(1), 21-30.
- Waring, E. M., Holden, R. R., & Wesley, S. (1998). Development of the marital self-disclosure questionnaire (MSDQ). *Journal of Clinical Psychology*, 54(6), 817-824.
- Whitson, S., & El-Sheikh, M. (2003). Marital conflict and health: Processes and protective factors. *Aggression and Violent Behavior*, 8(3), 283-312.
- Yi, Y. S., & Park, K. R. (2011). The Impacts of Personality Differences Between Husbands and Wives on Marital Conflict: Over the Length of the Marriage. *Korean Journal of Human Ecology*, 20(4), 731-743.
- Young, J. E. (1999). *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach*. Professional Resource Press/Professional Resource Exchange.
- Zeng, F., Sun, X., Yang, B., & Fu, X. (2016). Life events, anxiety, social support, personality, and alexithymia in female patients with chronic pain: A path analysis. *Asia-Pacific Psychiatry*, 8, 44-50.
- Zimmermann, G., Rossier, J., Meyer de Stadelhofen, F., & Gaillard, F. (2005). Alexithymia assessment and relations with dimensions of personality. *European Journal of Psychological Assessment*, 21(1), 23-33.
- Antoine, P., Antoine, C., & Nandrino, J. L. (2008). Development and validation of the cognitive inventory of subjective

distress. *International Journal of Geriatric Psychiatry: A journal of the psychiatry of late life and allied sciences*, 23(11), 1175-1181.

Atari, M., & Yaghoubirad, M. (2016). The Big Five personality dimensions and mental health: The mediating role of alexithymia. *Asian journal of psychiatry*, 24, 59-64.

Baron, R. A., & Byrne, D. (1987). *Social psychology: Understanding human interaction*. Allyn & Bacon.

Besharat, M. (2013). Toronto Alexithymia Scale: Questionnaire, Instruction and Scoring (Persian Version). *Developmental psychology (Iranian Psychologist)*, 10(37), 90-92.

Besharat, M. A., Naghshineh, N., Ganji, P., & Tavalaeayan, F. (2014). The moderating role of attachment styles on the relationship of alexithymia and fear of intimacy with marital satisfaction. *International Journal of Psychological Studies*, 6(3), 106.

Bitsika, V., Sharpley, C. F., & Peters, K. (2010). How is resilience associated with anxiety and depression? Analysis of factor score interactions within a homogeneous sample. *German journal of psychiatry*, 13(1), 9-16.

Castonguay, L. G., & Hill, C. E. (2007). *Insight in psychotherapy* (pp. xvi-481). American Psychological Association.

Cheng, C. C. (2010). A study of inter-cultural marital conflict and satisfaction in Taiwan. *International Journal of Intercultural Relations*, 34(4), 354-362.

Cummings, E. M., & Davies, P. T. (2010). *Marital conflict and children: An emotional security perspective*. Guilford Press.

Eysenck, H. J., & Eysenck, M. W. (1985). *Personality and individual differences: A natural science approach*. New York: Plenum.

Faircloth, B. (2012). *Children and Marital Conflict: A Review*. *Case makers*, 6(1), 1-5.

Feist, J., Feist, G. J., & Roberts, T. A. (2007). *Teorías de la personalidad*. McGraw-Hill.

Garver, M. S., & Mentzer, J. T. (1999). Logistics research methods: employing structural equation modeling to test for construct validity. *Journal of business logistics*, 20(1), 33.

Ghaem Magami, T., Abolghasemi, A., & Niknam, M. (2017). The Role Of Intimacy and Communicative Dynamics in Predicted of Family Function in Women with Marital Conflict. *International Journal of Advanced Studies in Humanities and Social Science*, 6(1), 17-22.

Gross, J. J., & John, O. P. (2003). Individual differences in two emotion regulation processes: Implications for affect, relationships, and well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 85, 348-362.

Guerin Jr, P. J., Fay, L. F., Burden, S. L., & Kautto, J. G. (1987). The evaluation and treatment of marital conflict. Basic Books.

Haghshenas, H. (1385). Five-factor design of personality traits. University of Medical Sciences Publications: Shiraz.

Hanson, R. K. (2003). Empathy deficits of sexual offenders: A conceptual model. *Journal of Sexual Aggression*, 9(1), 13-23.

Humphreys, T. P., Wood, L. M., & Parker, J. D. (2009). Alexithymia and satisfaction in intimate relationships. *Personality and Individual Differences*, 46(1), 43-47.

Isanejad, O., Amani, A., Azizi, A., & Azimifar, S. (2016). The relationship between personality factors, self-control and marital coping strategies with marital conflict. *International Journal of Behavioral Sciences*, 9(4), 19-25.

Isanejad, O., Amani, A., Azizi, A., & Azimifar, S. (2016). The relationship between personality factors, self-control and marital coping strategies with marital conflict. *International Journal of Behavioral Sciences*, 9(4), 19-25.

Iveniuk, J., Waite, L. J., Laumann, E., McClintock, M. K., & Tiedt, A. D. (2014). Marital conflict in older couples: Positivity, personality, and health. *Journal of marriage and family*, 76(1), 130-144.

Jahandideh Kazempour, M. (2005). Measuring customer satisfaction, pathology and its mechanisms. Fourth International Conference of Quality Managers.

James Parker, T. (2019). Conflict Style and Marital Satisfaction in Black Intercultural Couples.

Kiley, W. J. (2017). The impact of principal mentoring programs on the moral judgment of school principals. Indiana University of Pennsylvania.

Kim, B. R., Chow, S. M., Bray, B., & Teti, D. M. (2017). Trajectories of mothers' emotional availability: Relations with infant temperament in predicting attachment security. *Attachment & human development*, 19(1), 38-57.

Kim, B. R., Chow, S. M., Bray, B., & Teti, D. M. (2017). Trajectories of mothers' emotional availability: Relations with infant temperament in predicting attachment security. *Attachment & human development*, 19(1), 38-57.

Kim, B.R., Chow, S.M., Bray, B., & Teti, D.M. (2017) Trajectories of mothers' emotional availability: relations with infant temperament in predicting attachment security. *Attachment & Human Development*, 19, 38-57.

Kline, G. H., Pleasant, N. D., Whitton, S. W., & Markman, H. J. (2006). *Understanding Couple Conflict*.

Kline, R. B., & Kline, R. B. (1998). *Principles and practice of structural*.

Kreitler, S. (2002). The psychosemantic approach to alexithymia. *Personality and individual Differences*, 33(3), 393-407.

Liu, X. L., & Wang, J. H. (2010). A Correlation Study on Personality, Coping Style and Marital Conflict of Delinquent Juvenile. *Journal of Heilongjiang College of Education*, 6.

Mami, S., Safari, Abdul M., Mansoorian, M., Ghorbani, M & Kikhawani, S. (2017). Reducing marital conflicts by training problem-solving skills in clients referred to the Imam Relief Committee Counseling Center. *Journal of Health Rahavard*, 2 (1), 29-38.

Markman, H. J., Stanley, S. M., & Blumberg, S. L. (2010). *Fighting for your marriage: A deluxe revised edition of the classic best-seller for enhancing marriage and preventing divorce*. John Wiley & Sons.

Mehrazad Saber., M & Zeinali, S. (2014). The relationship between emotional distress and happiness with marital conflicts among couples referring to counseling centers in Rasht. *The First National Conference on Sustainable Development in Educational Sciences and Psychology, Social and Cultural Studies*, Tehran, Mehr Arvand Institute of Higher Education, Center for Strategies for Achieving Sustainable Development.

Murphy, Christina; Barry, Margaret M.; Nic Gabhainn, Saoirse. (2018). Programme Implementation in Schools: Conceptualisations from Irish Teachers. *Health Education*, v118 n6 p483-498.

Obara, Y., & Kashihara, A. (2017). Refining Presentation Documents with Presentation Schema. *International Association for Development of the Information Society*.

P. Greeff, Tanya De Bruyne, A. (2000). Conflict management style and marital satisfaction. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 26(4), 321-334.

Park, H. J., & Byun, S. H. (2017). Effects of Self-differentiation of Remarried Couples, Marital Intimacy, Marital Conflict Coping Style on Marital Satisfaction. *The Journal of the Korea Contents Association*, 17(7), 236-252.

Perry, N.B., Leerkes, E.M., Dunbar, A.S., & Cavanaugh, A.M. (2017). Gender and ethnic differences in young adults' emotional reactions to parental punitive and minimizing emotion socialization practices. *Emerging Adulthood*, 5, 83-92.

Platts, H., Tyson, M., & Mason, O. (2002). Adult attachment style and core beliefs: Are they linked?. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 9(5), 332-348.

Saeedi, L., Bahrami, F & Etemadi, A. (2008). Evaluation of the effectiveness of short-term solution-oriented couple therapy on reducing couples' conflicts in the city. *Journal of Consulting Research (News and Consulting Research)*, 5 (20), 39-20.

Saeedi, M & Ghasemi, M. (2018). A study of emotional distress and marital conflicts in women on the verge of divorce and marriage. 2nd International Congress of Humanities, Cultural Studies, Tehran, Center for Empowerment of Cultural and Social Skills.

Salminen, J. K., Saarijärvi, S., Äärelä, E., Toikka, T., & Kauhanen, J. (1999). Prevalence of alexithymia and its association with sociodemographic variables in the general population of Finland. *Journal of psychosomatic research*, 46(1), 75-82.

Schultz, D. P., & Schultz, S. E. (2016). *Theories of personality*. Cengage Learning.

Shishido, H. (2011). *Alexithymia and Impulsivity: Testing Mechanisms for Alcohol Use and Related Problems* (Doctoral dissertation, University of South Dakota).

Shishido, H. (2011). *Alexithymia and Impulsivity: Testing Mechanisms for Alcohol Use and Related Problems* (Doctoral dissertation, University of South Dakota).

Silver, A. (2012). *The secret of staying in love*.

Swart, M., Kortekaas, R., & Aleman, A. (2009). Dealing with feelings: characterization of trait alexithymia on emotion regulation strategies and cognitive-emotional processing. *PloS one*, 4(6), e5751.

Swart, M., Kortekaas, R., & Aleman, A. (2009). Dealing with feelings: characterization of trait alexithymia on emotion regulation strategies and cognitive-emotional processing. *PloS one*, 4(6), e5751.

Talanquer, Vicente. (2018). Progression in Reasoning about Structure property Relationships. *Chemistry Education Research and Practice*. V19. NO4. P998-1009.

Vaezi, A. (2019). *The effect of acceptance and commitment therapy on married people's mental health and emotional self-disclosure*. Master Thesis. Islamic Azad University, Roodehen Branch.

Vogel, S., Klueen, L. M., Fernández, G., & Schwabe, L. (2018). Stress leads to aberrant hippocampal involvement when processing schema-related information. *Learning & Memory*, 25(1), 21-30.

Waring, E. M., Holden, R. R., & Wesley, S. (1998). Development of the marital self-disclosure questionnaire (MSDQ). *Journal of Clinical Psychology*, 54(6), 817-824.

Whitson, S., & El-Sheikh, M. (2003). Marital conflict and health: Processes and protective factors. *Aggression and Violent Behavior*, 8(3), 283-312.

Yi, Y. S., & Park, K. R. (2011). The Impacts of Personality Differences Between Husbands and Wives on Marital Conflict: Over the Length of the Marriage. *Korean Journal of Human Ecology*, 20(4), 731-743.

Young, J. E. (1999). *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach*. Professional Resource Press/Professional Resource Exchange.

Zeng, F., Sun, X., Yang, B., & Fu, X. (2016). Life events, anxiety, social support, personality, and alexithymia in female patients with chronic pain: A path analysis. *Asia-Pacific Psychiatry*, 8, 44-50.

Zimmermann, G., Rossier, J., Meyer de Stadelhofen, F., & Gaillard, F. (2005). Alexithymia assessment and relations with dimensions of personality. *European Journal of Psychological Assessment*, 21(1), 23-33.

The Appropriateness Please write the initials of the words in the topic with capital letters

Atoosa Asadzadeh^۱

Mohammad Baqir Habi^۲

Mehdi Zare Bahramabadi^۳

Abdolhassan Farhangi^۴

Abstract

The aim of this study was to determine the appropriateness of structural equation modeling of personality traits and marital conflicts with the mediating role of alexithymia. This research is applied and in terms of methodology, is the the descriptive correlational one, using structural equation modeling. The statistical population of this study included all

^۱ PhD Student, Department of Psychology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

^۲ Assistant Professor. Department of Psychology. Imam Hossein University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

^۳ Associate Professor, Research Institute for Humanities Research and Development, Samat Organization, Tehran, Iran

^۴ Assistant Professor, Department of Psychology, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran

married people who referred to the psychological clinics of Tehran's District 2 in the period from February 2016 to July 2017, which is at least one year after their married life. In order to sample 300 people from the mentioned community were randomly selected by voluntary sampling method. marital conflict questionnaire (MCQ), personality traits inventory (NEO), and Toronto's Emotional Disappointment (TAS_20) were used to collect data. The data were analyzed using statistical method of structural equation modeling (SEM) using AMOS_22 software. The results showed that the fit indices have desirable values and the data of this study have a good fit with the research model and also personality traits are related to the mediating role of alexithymia with marital conflicts. It can be concluded that, that personality traits have a significant effect on alexithymia, which in turn can cause marital conflict and with the necessary training can reduce marital conflict as much as possible.

Key word: marital conflict, alexithymia, personality traits, equation modeling